

جایگاه میانجی‌گری مبتنی بر اخلاق سازمان ملل متحد در بحران‌های سوریه و یمن

سجاد احرامی^۱

علی توکلی طبسی^۲

عسگر جلالیان^۳

چکیده

حل و فصل اخلاقی و صلح‌آمیز مناقشات به معنی حل منازعات بین‌المللی بدون رجوع به زور است. این روش در بردارنده روش‌های علمی است، که طی آن مناقشات دولت‌ها و گروه‌ها در وظایف و حقوق اساسیشان می‌تواند مورد حل و فصل قرار گیرد (از قبیل: مذاکره، میانجی‌گری، سازش، مساعی جمیله و داوری). هنگامی که صحبت از حل مناقشه‌ای می‌شود، غالباً تلاش یا کوشش‌هایی مدنظر است که در صورت به بن بست رسیدن، حالت جنگی یا وجود احتمال‌های قوی مبتنی بر وقوع جنگ صورت می‌گیرد. در این مقاله حل و فصل اخلاقی مناقشات بین‌المللی از طریق اخلاق میانجی‌گری توسط سازمان‌های بین‌المللی و به ویژه سازمان ملل متحد و شورای امنیت با رویکرد تحولات و بحران‌های اخیر رخ داده در دو کشور سوریه و یمن مورد مطالعه قرار می‌گیرد. نقش اخلاقی سازمان ملل در پایان دادن به منازعات و بحران‌های بین‌المللی انکارناپذیر است اما سؤالی که مطرح می‌شود چگونگی برخورد اخلاقی سازمان ملل در پایان دادن به این بحران‌ها است و این که تا چه حدی دولت‌های بزرگ جهانی در تصمیمات سازمان ملل متحد مؤثر هستند؟ سؤالی که سعی می‌شود در این رساله با در نظر گرفتن تمام جوانب به آن پاسخ داده شود.

واژگان کلیدی

میانجی‌گری، اخلاق، منشور سازمان ملل متحد، یمن، سوریه، بحران، صلح، حل و فصل اختلافات.

-
۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور، مرکز تحصیلات تکمیلی تهران. (مسئول مکاتبات)
Email: ehrami.sajad@gmail.com
۲. استادیار، حقوق بین الملل، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: tavakol-ali@yahoo.com
۳. دانشیار، حقوق بین الملل، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
Email: Dr-jalalian@yahoo.com
- تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۰۳ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۳/۱۵

طرح مسأله

در دوران باستان وقتی نزاع‌ها و اختلافات درون یک قبیله رخ می‌داد معمولاً از یک یا چند به اصطلاح ریش سفید که قابل احترام از طرف کل اعضای قبیله بودند برای حل نزاع به وجود آمده میان افراد استفاده می‌کردند که این نوع روش حل باعث به وجود آمدن مفهوم اخلاق داوری در جوامع بشری شد. به این ترتیب وجود داور بی‌طرف در نزاع‌های به وجود آمده میان افراد از بروز مشکلات بعدی جلوگیری می‌کرد؛ بعداً مفهوم داوری برای حل مشکلات میان قبایل مختلف نیز مورد استفاده قرار گرفت فقط شکل استفاده از آن متفاوت بود به طوری که در این حالت باید داور از یک قبیله دیگر که مورد قبول هر دو قبیله بود استفاده می‌شد. اما از اواخر قرن پانزدهم و با پیشرفت تکنولوژی و به وجود آمدن ارتباطات بیشتر و نزدیکتر میان جوامع و پیدایش کشورهای مختلف و متفاوت شدن نیازها نوع اختلافات نیز شکل جدیدی به خود گرفتند به طوری که بروز یک اختلاف میان دو کشور و به وجود آمدن جنگ میان آن دو باعث مرگ هزاران انسان بیگناه می‌شد و نه تنها آن دو کشور بلکه بسیاری از کشورهای دیگر را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد. البته این نکته نیز قابل ذکر است که همین پیشرفت علم باعث شد تا برخی از کشورهای قدرتمند که صاحب تکنولوژی و علم روز بودند به استعمار کشورهای ضعیف بپردازند و این خود باعث بروز جنگ‌های خونین شد. افزایش این نوع جنگ‌ها بشر را به آن وا داشت تا برای حل این نوع مشکلات و پایان دادن به این نزاع‌های خونین به فکر فرو رود. در این میان، اخلاق میانجی‌گری و مذاکرات دوجانبه، پرکاربردترین سازو کار مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات به شمار می‌آید. (واعظی، ۱۳۸۵؛ اسدالهی، ۱۳۹۱)

در طول دورانی که بر بشر گذشته است گاهی پیدایش اختلافات کوچک و عدم وجود راهکار مناسب اخلاقی برای حل آن باعث به وجود آمدن جنگ‌های قبیله‌ای و کشوری شده و بسیاری را به کام مرگ کشانده است. تجربه‌های تلخ مرگ و میر بر اثر جنگ و تلفات گاه‌جا جبران‌ناپذیر آن بشر را به آن وا داشت تا به ارائه راه حل‌هایی برای حل مشکلات و اختلافات به وجود آمده میان دولت‌ها بپردازد تا دیگر کمتر شاهد کشت و کشتار مردم در گوشه و کنار جهان باشد. (محب علی، ۱۳۹۰)

وجود جنگ‌های دیگر از قبیل جنگ جهانی دوم و نیز طمع کشورهای اروپایی برای گسترش استعمارهای خود در قاره‌های دیگر از قبیل قاره‌های آسیا و آفریقا و بی‌خانمان شدن بسیاری از ملت‌ها در نقاط مختلف جهان باعث به وجود آمدن سازمان‌های بین‌المللی، شورای امنیت و نیز تصویب منشور سازمان ملل در راستای ایجاد صلح و امنیت بین‌المللی شد. به طوری که بنا به بند سوم از اصل دوم منشور سازمان ملل متحد دولت‌ها مکلف شدند اختلافات بین‌المللی و دعاوی خود را به شیوه‌های مسالمت‌آمیز به صورتی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد حل و فصل نمایند و از توسل به زور جهت حل اختلافات خودداری نمایند.

(جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱)

از شیوه‌های مسالمت‌آمیز بحث شده در این منشور می‌توان به مذاکره، سازش، داوری، مساعی جمیله و میانجی‌گری اشاره کرد که مورد اخیر در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و نسبت به روش‌های دیگر از مزیت بیشتری برخوردار است که در این رساله سعی می‌شود با بیان تفاوت‌های این روش با روش‌های دیگر به بررسی کارایی آن در حل مناقشات بین‌المللی پرداخته شود. (دولت‌شاه، ۱۳۸۷)

همان‌طور که اشاره شد سازمان ملل و به تبع آن شورای امنیت دو سازمان بین‌المللی به وجود آمده در سطح جهانی برای پایان دادن به نزاع‌های بین‌المللی و بروز جنگ بین کشورها هستند. اما در سال‌های اخیر، با پیدایش جنگ در برخی از کشورها به خصوص در منطقه خاورمیانه و لشکرکشی و تجاوز کشورهای غربی به این منطقه (خصوصاً سوریه و یمن) این‌طور به نظر می‌آید که این سازمان‌ها نیز تحت تأثیر کشورهای قدرتمند جهانی هستند و آن‌طور که باید، نمی‌توانند از عهده وظایف خود به درستی بر بیایند. (قاسمیان، ۱۳۹۲؛ نیکو، ۱۳۹۱)

تجاوز عربستان به خاک یمن و سکوت جوامع بین‌المللی و نیز محکوم کردن یمن در شورای امنیت کارایی این شورا به عنوان یک مرجع بی‌طرف را زیر سؤال می‌برد. همچنین وجود درگیری‌ها در سوریه و کمک کشورهای غربی به شورشیان و نیز تروریست‌ها در این کشور بار دیگر این سؤال را در ذهن بشر تداعی می‌کند که این سازمان‌ها برای جلوگیری از اختلافات در سطح بین‌المللی و پایان دادن استعمار و زورگویی در دنیا به وجود آمده‌اند یا برای خدمت به چند کشور خاص؟. (روزنامه شرق، ۱۳۹۰)

بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی عملکرد اخلاقی میانجی‌گری سازمان ملل متحد در مناقشات بین‌المللی بدون استفاده از زور در جهت حفظ صلح و امنیت بشری، که از جمله مهمترین آرمان بشریت است، و تلاش در جهت حفظ صلح علی‌الخصوص میانجی‌گری موردی در کشورهای یمن و سوریه و همچنین بررسی متون و منابع موجود در خصوص جایگاه نقش میانجی‌گری اخلاقی سازمان ملل در حل و فصل اختلافات بین‌المللی و جایگاه رکن مهم سازمان ملل طبق منشور و بررسی عملکرد شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. در کشورهایی که کانون فعالیت تروریستی (سوریه-یمن) هستند، باید سازمان ملل و نیز شورای امنیت تدابیر جدی بیاندیشند و در این راستا تصمیمات آن در قالب قطعنامه‌های نسبتاً لازم‌الاجرا انجام شود. عملکرد دوگانه و متناقض شورای امنیت سازمان ملل در خلال بحران و جنگ‌های بین‌المللی دلیلی محکم بر حمایت این شورا از منافع قدرت‌های بزرگ عضو شورا در نظام بین‌الملل است. می‌توان گفت سازمان ملل به عنوان ناظر صلح جهانی و شورای امنیت به عنوان رکن اجرای این سازمان می‌توانند با بهره‌گیری از صلاحیت، قدرت و تأثیر گذاری اخلاقی خود به میانجی‌گری بین‌المللی در کشورهای یمن و سوریه بپردازند.

میانجی‌گری

به اقدام داوطلبانه و فعال یکی از تابعین حقوق بین‌الملل (دولت‌ها، سازمان‌ها، افراد) جهت دستیابی به زمینه‌های توافق و رفع اختلافات موجود، میانجی‌گری گفته می‌شود. میانجی‌گری یکی از شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات است که در آن طرف‌های اختلاف با توافق یکدیگر، شخص ثالث بی‌طرف و متبصری را به عنوان میانجی و به منظور تسهیل در روند حل و فصل اختلاف خود انتخاب می‌کنند تا آن شخص با استفاده از تکنیک‌های مناسب، مذاکرات آنان را تسهیل و اداره کرده و به آنان کمک کند تا خود آنها اختلافشان را حل و فصل کرده و با یکدیگر به توافق برسند میانجی‌گری واقعه‌ای است که بدون درگیری و بهره‌گیری از نیروی فیزیکی و با عقیده کاملاً مسالمت‌آمیز، در تلاش برای رفع اختلاف موجود از سوی شخص ثالث بی‌طرف، با مساعدت‌های طرفین اختلاف است و نهایتاً ممکن است منجر به رفع اختلاف شود و یا نشود. (واعظی، ۱۳۸۵)

- **زمینه میانجی‌گری:** زمینه میانجی‌گری در یک مناقشه زمانی فراهم می‌شود که تلاش طرفین مناقشه به بن‌بست رسیده باشد و هیچ یک از آن‌ها آمادگی تحمل هزینه‌های اضافی و یا از دست دادن جان افراد بیشتری را نداشته باشند.

- **طرفین مناقشه:** دو طرف مناقشه باید از نظر ذهنی و شرایط اجتماعی به طور کلی آمادگی حل و فصل مناقشه را داشته باشند و تا حدی به میانجی اعتماد کنند.

- **میانجی:** میانجی باید شخصیتی بی‌طرف، ماهر و غیر ذینفع در نتیجه حل و فصل مناقشه باشد تا بتواند به منظور دستیابی به توافقی پایدار در جهت تغییر و تقریب عقاید طرفین مناقشه از طریق به کارگیری غیراجباری ابزارهای مختلف اقدام کند.

- **روش میانجی‌گری:** تهیه یک طرح کلان و نقشه راه با توجه به شرایط مناقشه و اختلافات اساسی طرفین درگیر بسیار مهم می‌باشد تا با انعطاف، حوصله و چانه‌زنی نسبت به اجرای آن اقدام شود.

با توجه به تعاریف فوق، می‌توان گفت که میانجی‌گری اقدامی داوطلبانه از سوی یک طرف ثالث است و زمینه فعالیت آن زمانی فراهم می‌شود که ابتکارات طرفین درگیر بی‌نتیجه و همراه با هزینه‌های غیرقابل تحمل بوده باشد، به گونه‌ای که آن‌ها از نظر ذهنی و شرایط اجتماعی آمادگی حل و فصل مناقشه را دارا و میانجی‌گری را بپذیرند. در چنین شرایطی، یک میانجی بی‌طرف و ماهر با برخورداری از قوه ابتکار و خلاقیت می‌تواند با استفاده از روش چانه‌زنی در جهت تغییر و تقریب عقاید طرفین درگیر به منظور تخفیف درگیری و نهایتاً حل و فصل مناقشه اقدام کند. (صفدری، ۱۳۷۲؛ ذاکرین، ۱۳۸۲)

نقش و جایگاه اخلاق میانجی‌گری در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل

در هر اختلاف اجتماعی، اعم از اینکه میان اتحادیه کارگری و مؤسسات صنعتی یا در

دولت ملی باشد، ایستارها و الگوهای رفتاری که معمولاً در مرحله بحران بروز می‌کند، دقیقاً همان‌هایی هستند که به احتمال بسیار زیاد به خشونت و از هم پاشیدگی منجر می‌شوند. در یک بحران بین‌المللی، ارتباطات تحت فشار قرار می‌گیرند، اقدامات نمادین جانشین مباحثات صریح می‌شوند و برخی ایستارها، طرف‌های درگیر را آماده می‌سازند تا بیش از اندازه در برابر اقدامات یکدیگر واکنش نشان دهند. (واعظی، ۱۳۸۵)

مهمترین وظایف طرف ثالث آن است که ارتباطات میان منازعه‌کنندگان را مجدداً برقرار سازد، دوره‌هایی را برای فروکش کردن اختلاف به طرف‌ها پیشنهاد دهد، شرایط را در محدوده اختلاف بررسی نماید و در صورت لزوم خدمات مختلفی را در اختیار طرف‌های اختلاف بگذارد. از نظر چانه‌زنی، مداخله طرف ثالث در یک اختلاف یا بحران می‌تواند راه خروج عملی در اختیار حکومت‌هایی قرار دهد که مایلند بدون تظاهر به عقب‌نشینی در برابر تهدیدات طرف قدرتمند، به گونه‌ای مطلوب خود را از معرکه خارج سازند. در تمامی روابط مبتنی بر اختلاف، فراهم کردن ترتیبات برقراری سازش توسط طرف ثالث ممکن است سهل‌تر از عقب‌نشینی مستقیم در برابر دشمن باشد. سرانجام آنکه طرف ثالث مورد قبول طرفین که هدفش دستیابی به راه‌حلی مبتنی بر سازش است، عمدتاً عامل چانه‌زنی قابل‌اعتمادتری در قیاس با رقیب سنتی تصور می‌شود. (Adam & Kuper, 1998)

بنابراین تمامی میانجی‌گران بین‌المللی در چارچوب سیستم تبادل نظر و اعمال نفوذ عمل می‌کنند. عوامل چنین سیستمی شامل ارتباطات، تجربه، توقعات طرفین مناقشه و منابع و منافع میانجی‌گری می‌باشد که تاثیرات این عوامل بر یکدیگر تعیین‌کننده طبیعت و میزان اثرگذاری میانجی‌گری است. (بله سو و بوسچک، ۱۳۷۵)

تحولات سوریه و میانجی‌گری‌های رخ داده در پایان دادن به جنگ در سوریه

به دلیل مشارکت گسترده‌ی اتباع خارجی در این جنگ اطلاق اصطلاح جنگ داخلی برای سوریه درست نیست چون می‌دانیم که مخالفان مسلح حکومت سوریه از گروه‌های متعددی تشکیل می‌شوند. ارتش آزاد سوریه که در سال ۲۰۱۱ توسط نظامیان جداشده از ارتش سوریه تشکیل شد، جبهه نصرت شاخه رسمی القاعده در سوریه، و جبهه اسلامی ائتلافی از چندین گروه اسلام‌گرای سلفی، مهمترین گروه‌های اپوزیسیون سوریه هستند. به علاوه، حکومت سوریه نیز از پشتیبانی و حضور نیروهای ایران، روسیه، شبه‌نظامیان شیعه عراقی و حزب الله لبنان برخوردار بوده است (قاسمیان، ۱۳۹۲ و یزید، ۲۰۱۲).

داعش که بر بخش‌های شرقی سوریه حکومت می‌کند و حدود نیمی از خاک این کشور را در کنترل دارد هم با دولت سوریه و عراق و هم با اپوزیسیون سوریه درگیر جنگ شده است (AFP, 2012). جنگ سوریه یا بحران سوریه به یک سری تظاهرات گسترده و در نهایت درگیری‌های نظامی در کشور سوریه گفته می‌شود که از ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ (۶ بهمن ۱۳۸۹) شروع

شده است که تأثیر گرفته از تحولات سیاسی منطقه خاورمیانه موسوم به بهار عربی است (Simon, ۲۰۱۲).

به طور کلی می‌توان چنین استنباط نمود که بحران اخیر سوریه نیز همانند هر پدیده سیاسی امنیتی و اجتماعی تحت تأثیر دو دسته بازیگران داخلی و خارجی و در بستری مستعد تحول یافته و الگوی تسری و روند آن تحت تأثیر مجموعه‌ای از رفتارها و مواضع دو طرف تعارض شکل گرفته است. با عنایت به متغیرهای گوناگون دخیل در این مسأله مانند ابزارها و مکانیزم‌های ادامه بحران درعا، بحران سوریه پس از گذشت هفت ماه در ابعاد مختلف گسترش یافت. فارغ از ابعاد جمعیتی، جغرافیایی و ساختاری در ادامه و تسری بحران سوریه؛ بحران امنیتی - سیاسی شهر درعا، به دلایلی از جمله اشتباهات سیاسی امنیتی برخی از مسئولان محلی این استان، پس از اندک زمانی تغییر ماهیت داده و در قامت یک بحران تمام عیار ملی که بقای دولت مستقر را تهدید می‌کند ظاهر شده و به سایر حوزه‌های سیاست‌گذاری نیز تسری یافت. (قاسمیان، ۱۳۹۲)

نیروهای داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بازیگران اصلی در تحولات سوریه هستند که هر کدام به نحوی در پیدایش و یا در ادامه بحران به وجود آمده در سوریه نقش داشته و هر یک به نوعی به دنبال اهداف و منافع خویش هستند (Tejel, 2012). کوفی عنان دبیرکل سابق سازمان ملل در متن کوتاهی که در نشریه الدرز منتشر شده است به حوادث سوریه پرداخته و ضمن مخالفت با جنگ خواستار اقدام جمعی برای پایان دادن به خشونت می‌شود. همه از استفاده سلاح‌های شیمیایی علیه غیرنظامیان در سوریه وحشت زده شده‌اند. ما استفاده از این سلاح‌ها را به عنوان امری غیر انسانی و جنایتکارانه به شدت محکوم می‌کنیم. کسانی که به استفاده از این تسلیحات پرداختند باید هم به صورت فردی هم جمعی پاسخگو باشند. بازرسان سازمان ملل متحد فعالانه برای تعیین حقایق و گزارش به دبیرکل سازمان ملل بان کی مون می‌کوشند. ما مصرانه از تمامی کشورهای عضو می‌خواهیم منتظر گزارش بازرسان سازمان ملل متحد در مورد استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه و مذاکرات شورای امنیت سازمان ملل قبل از هرگونه نتیجه‌گیری و تصمیم‌گیری باقی بمانند». (جبریل، ۲۰۱۲)

مجمع عمومی سامان ملل متحد در ۱۷ فوریه ۲۰۱۲، با تصویب قطعنامه‌ای یازده ماه سرکوبی معترضان در سوریه را محکوم کرد. قطعنامه‌ی تصویب شده در مجمع عمومی از دولت بشار اسد می‌خواهد که ظرف ۱۵ روز طرح اتحادیه‌ی عرب را اجرایی کند. اتحادیه‌ی عرب خواستار کناره‌گیری بشار اسد از ریاست جمهوری و انتقال قدرت به معاونش بود. ۱۳۷ کشور که به این قطعنامه رأی مثبت دادند، خواستار پایان خشونت‌ها در سوریه شده‌اند. ۱۲ کشور از جمله ایران، روسیه، چین، کوبا، ونزوئلا و کره شمالی به این قطعنامه رأی منفی دادند (اسدالهی، ۱۳۹۱؛ Frrej, 2016)

تحولات یمن و نقش اخلاق محوری سازمان ملل در جلوگیری از بحران موجود

اعتراضات در بسیاری از شهرهای شمال و جنوب یمن در اواسط ژانویه ۲۰۱۱ شروع شد. تظاهرکنندگان در ابتدا در برابر طرح‌های دولتی به تغییر قانون اساسی یمن، بیکاری و شرایط اقتصادی و فساد اعتراض کردند، اما خواسته‌های آنان بلافاصله شامل درخواست برای استعفای رئیس‌جمهور علی عبدالله صالح، شد که با مخالفت‌های داخلی از نزدیکترین مشاوران خود از سال ۲۰۰۹ مواجه بود. در ۲۷ ژانویه ۲۰۱۱ تظاهرات بزرگی متشکل از بیش از ۱۶۰۰۰ معترض در صنعا برگزار شد و بلافاصله پس از آن توکل کرمان، فعال حقوق بشر و سیاستمدار، آن را «روز خشم» در تاریخ ۳ فوریه نامید. بر اساس گزارش خبرگزاری رسمی چین، شین‌هوا، سازمان دهندگان یک میلیون معترض را فراخوانی کردند. (هاشمی نسب، ۱۳۸۸؛ نیکو، ۱۳۹۱)

در ۲۳ سپتامبر، سه ماه پس از اقدام به ترور، صالح ناگهان به یمن بازگشت، و از همه‌ی انتظارات قبلی سرپیچی کرد. فشارها بر صالح او را وادار که نهایتاً در ۳ نوامبر طرح شورای همکاری خلیج را در ریاض امضاء کند. وی در این قرارداد موافقت کرد تا از قدرت کناره‌گیری کرده و زمینه را برای انتقال قدرت به معاون ریاست جمهوری فراهم نماید. سپس انتخابات ریاست جمهوری در ۲۱ فوریه ۲۰۱۲ برگزار شد، که در آن هادی (تنها نامزد ریاست جمهوری)، ۹۹٫۸ درصد از آرا را به دست آورد در حالی که بیشتر گروه‌های مستقل یمنی از جمله انصارالله و حراک این همه پرسی را تحریم کردند (ذوالفقاری، ۱۳۹۳). هادی در ۲۵ فوریه در دفتر خود در پارلمان یمن سوگند خورد. در ۲۷ فوریه، صالح از مقام ریاست جمهوری استعفاء داده و قدرت به جانشین او منتقل شد، اگر چه او هنوز به عنوان رئیس حزب عمومی‌کنگره‌ی مردم دارای نفوذ سیاسی می‌باشد. (ذوالفقاری، ۱۳۹۳)

دخالت عربستان سعودی و آمریکا در امور داخلی یمن از عوامل مهم در وقوع نارضایتی بین اقشار مختلف این کشور است و ریاض و واشنگتن به واسطه منافع‌ی که در یمن دارند خواستار تشکیل دولت قوی و برگزاری انتخابات واقعی در این کشور نیستند. آل سعود در هیچ کشور عربی برگزاری انتخابات را در راستای منافع خود نمی‌داند. این راهبرد در یمن به واسطه هم مرز بودن آن با عربستان از شدت بیشتری نیز برخوردار است. (هاشمی نسب، ۱۳۸۸)

قطعه‌نامه ۲۲۱۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای بود که در تاریخ ۱۴ آوریل ۲۰۱۵ (۲۵ فروردین ۱۳۹۴) با ۱۴ رای موافق و رای ممتنع روسیه، در رابطه با جنگ داخلی یمن تصویب شد. این قطعنامه ذیل فصل هفت منشور سازمان ملل تصویب شد و بدون اشاره به عملیات نظامی عربستان در خاک یمن، نیروهای نظامی در یمن را تحریم تسلیحاتی کرده است. هم‌چنین این قطعنامه از مشروعیت عبدالله منصور هادی رئیس‌جمهور فراری یمن حمایت کرده است. نکته جالب در تصویب این قطعنامه این است که این قطعنامه توقف بمباران عربستان

سعودی را خواستار نشده است. (انوری، ۱۳۸۲؛ واعظی، ۱۳۸۵)

شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۲۲۱۶ درباره بحران یمن اثبات کرد که از عدالت و اخلاق برای تصمیم‌گیری در مسایل مختلف جهان به دور است. در حالی که عربستان خودسرانه به یمن حمله کرد و منصور هادی نیز به عربستان سعودی گریخت و مشروعیت خود را از بین برد شورای امنیت با قطعنامه ۲۲۱۶ ضمن نادیده گرفتن واقعیت‌های میدانی یمن هم به حمله عربستان علیه یمن و هم به منصور هادی مشروعیت می‌دهند (ذاکرین، ۱۳۸۲؛ دولت‌شاه، ۱۳۸۷).

دبیرکل سازمان ملل متحد نیز در رویکرد نظری و عملی و اخلاقی خود درباره بحران یمن همسو با شورای امنیت حرکت کرده است. بان کی مون ابتدا جمال بن عمر را به عنوان نماینده خود در بحران یمن برگزید. جمال بن عمر پس از اینکه به این نتیجه رسید که حل بحران یمن با کارشکنی‌های عربستان امکان‌پذیر نخواهد بود از سمت خود استعفا داد. با استعفای بن عمر دبیر کل سازمان ملل اسماعیل ولد الشیخ را به عنوان نماینده جدید خود برگزید. اگرچه اسماعیل ولد الشیخ، نماینده دبیرکل در بحران سوریه برای برگزاری گفتگوهای ژنو درباره بحران یمن تلاش زیادی انجام داد اما نادیده گرفتن واقعیت‌های میدانی یمن و همسویی با راهبرد قدرت‌های غربی عضو شورای امنیت سبب شد این نشست حتی پیش از تشکیل نیز شکست خورده باشد. (Danin, 2012)

نتیجه‌گیری

با پیدایش بشر و گسترش قبایل و سپس کشورها و رنگ باختن اخلاق، اختلافات و مناقشات نیز از حالت داخلی به مناقشات بین‌المللی تبدیل شده است؛ به طوری که در یک مناقشه یا جنگ بین دو کشور بسیاری از کشورهای دیگر نیز تحت تأثیر تحولات جنگ قرار می‌گیرند و دامنه وسیعی از مشکلات اقتصادی، نظامی، سیاسی و غیره را شامل می‌شود. هم‌زمان با این تحولات روش‌های حل و فصل مناقشات به صورت اخلاقی نیز از حالت کدخدایی به سمت حل و فصل آنها به صورت داوری‌ها و میانجی‌گری‌های بین‌المللی کشیده شده است. این نوع فرآیند موجب پیدایش سازمان‌های مختلف بین‌المللی در گذر زمان شده است که به آنها در طول این رساله اشاره شده است. مهم‌ترین آنها سازمان ملل و پیدایش شورای امنیت بوده است.

بحران سوریه محل نقش‌آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شد. این کشور محلی برای تقابل دو قدرت برتر آمریکا و روسیه گردید. آمریکا که در افغانستان و عراق عملکرد ضعیفی از خود به جا گذاشته بود سعی داشت تا از یک طرف عملکرد ضعیف خود رد خاورمیانه را بهبود بخشد و از طرف دیگر میدان را برای رقیب دیرین خود، روسیه، خالی نگذارد. هم‌چنین آمریکا سعی دارد تا با دخالت بیشتر خود در تحولات خاورمیانه، مخصوصاً سوریه، موقعیت اسرائیل را در منطقه تحکیم بخشد و از خطر به وجود آمده برای اسرائیل بکاهد. از طرف دیگر، روسه سعی

داشت تا با حمایت از دولت سوریه و وتوی سه قطعنامه شورای امنیت به همراه چین علیه دولت سوریه نقش خود را بیش از پیش در خاورمیانه پر رنگ نماید و از طرف دیگر به تضعیف نقش آمریکا در منطقه بپردازد. بحرانی که هم داخلی بود و هم خارجی و سازمان ملل نیز به امروز نتوانسته است تصمیم درستی در پایان بخشیدن به آن اتخاذ نماید.

همان طور که در فصل اول از بخش دوم نیز به آن اشاره شد، طرح‌های سازمان ملل در سوریه با شکست مواجه شد و تصمیمات شورای امنیت نیز گواه بر دخالت قدرت‌های غربی بر تصمیمات آن بوده است؛ تصمیماتی که اکثراً خصمانه و در جهت حمایت منافع کشورهای اروپایی و آمریکا گرفته شده است. بحران یمن نیز صرفاً ناشی از نقش آفرینی بازیگران داخلی نبوده است، بلکه ناشی از نقش آفرینی بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای همانند عربستان سعودی، شورای همکاری خلیج فارس، آمریکا و اسرائیل بوده است که در روند شکل‌گیری بحران یمن و تشدید آن نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده‌اند. سازمان ملل در بحران یمن نشان داد که بی‌طرف نیست و در جهت حمایت از یک طرف بحران که همان عربستان و متحدان یمنی اش است، حرکت می‌کند. دبیر کل سازمان ملل همچنان منصور هادی را بازیگر مهم تحولات یمن می‌داند در حالی که منصور هادی آشکارا به یک مهره سوخته هم برای عربستان و هم در چارچوب تحولات یمن تبدیل شده است.

با مرور نقش و عملکرد سازمان ملل در بحران‌های مطرح شده و بررسی تطبیقی اخلاقی آن، نتیجه‌ای که به دست می‌آید این است که با در نظر گرفتن سازمان ملل به عنوان نهاد مستقل و مجزا از دولت‌ها، نمی‌توان ارزیابی دقیقی از نقش آن و میزان موفقیتش در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ارائه نمود. زیرا این موضوع بیش از آنکه به خود سازمان ملل و شورای اخلاقی امنیت مرتبط باشد، به دولت‌ها و میزان همسویی آنها با یکدیگر و شدت و ضعف همکاریها و رقابت‌های قدرت‌های بزرگ بستگی دارد. براین اساس، تلقی ما از سازمان ملل تا حد زیادی تابع سیاست‌ها و عملکرد دولت‌هاست؛ یعنی خط و مشی و سیاست دولت‌ها در چگونگی عملکرد سازمان ملل تاثیر بسزایی دارد. این تاثیر به گونه‌ای است که می‌تواند باعث شود سازمان ملل نهادی موثر و فعال در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شود یا برعکس تشریفاتی، خنثی و بی‌اثر جلوه کند. از آنجا که در صحنه بین‌المللی روابط دولت‌ها ترکیبی از همکاری و رقابت است و در شرایط مختلف نسبت این همکاری و رقابت متفاوت است، نقش و عملکرد سازمان ملل در بحران‌ها نیز متفاوت خواهد بود. بنابراین با وجود دولت‌های مختلفی که منافع متفاوت دارند، تصور سازمان مللی که با سرعت، قاطعیت و مطابق اصول مشخص و تعیین شده عمل کند، تاحدزبانی غیرواقعی است. نتیجه منطقی این سخن آن است که نمی‌توان تصور کرد در آینده نزدیک سازمان ملل در برخورد با بحران‌های مختلف به گونه‌ای یکسان اقدام کند. در وضعیت کنونی همچنان ایفای نقش‌های مختلف و عملکردهای متفاوت از سازمان ملل انتظار می‌رود و تا تحقق

دیدگاهی که بعد از فروپاشی نظام دوقطبی به وجود آمد و بر نظامی بین‌المللی با محوریت سازمان ملل تاکید داشت، راه زیادی در پیش است. پس می‌توان به این نتیجه رسید که اخلاق در سازمان ملل متحد به درستی مورد توجه قرار نگرفته و این سازمان نقش اخلاقی خود را با عنایت به برخورد سیاسی کشورها به درستی بجا نیاورده است.

پیشنهادات

۱. سازمان ملل متحد تمهیداتی را انجام دهد تا روش حل و فصل اختلافات بین‌المللی به صورت اخلاقی و مسالمت‌آمیز به رویه جهانی تبدیل شود و سازمان ملل فقط به تصویب منشور اکتفا نکند.

۲. اقدام به میانجی‌گیری باید با روش‌های مناسب و کارآمد اخلاقی انجام گیرد و نباید تنها به آمادگی طرفین منازعه و طرف میانجی بسنده کرد. در این گونه موارد می‌توان با تشکیل یک کارگروه مفید از سوی سازمان ملل با بررسی شرایط منطقه‌ای که منازعه در آن رخ داده و نیز بررسی موشکافانه طرفین درگیر کشورها و یا سازمان‌هایی را به عنوان میانجی انتخاب کرد که بتوانند در کمترین زمان ممکن به بهترین نتیجه برسند به طوری که سازمان یا کشور میانجی هدفی به غیر از پایان داده به منازعه نداشته باشد (به دنبال اهداف و منافع شخصی نباشد).

۳. اگر کشوری با اقدامات خود باعث شد که صلح و امنیت بین‌المللی به خطر افتاد (بدون در نظر گرفتن میزان قدرت آن کشور) با مجازات‌های سنگین مانند تحریم‌ها، حذف برخی از امتیازات خاص بین‌المللی و... مواجه شود.

۴. به کشورهایی که راهکارهای اخلاقی برای حل مناقشات بین‌المللی و به خصوص نقش میانجی‌گری ایفا کردند امتیاز بین‌المللی داده شود تا دیگر کشورها هم تشویق به میانجی‌گری شوند.

۵. متأسفانه در سال‌های اخیر و در برخی از تحولات از قبیل تحولات سوریه و یمن مشاهده شد که سازمان ملل متحد و نیز شورای امنیت تحت نفوذ قدرت‌ها و دولت‌های بزرگ جهان به دور از اخلاقیات بوده و مطابق میل و منافع آن‌ها در این نوع مسائل برخورد کرده است، به طوری که باعث طولانی‌تر شدن منازعات و درگیری‌ها در سطح جهانی شده است. اگر سازمان ملل بخواهد نقش مؤثری در تحولات بین‌المللی داشته باشد باید از سیطره قدرت‌های برتر جهانی بیرون بیاید و در تصمیمات خود تنها براساس مصلحت کشورهای درگیر بدون در نظر گرفتن منافع دولت‌های بزرگ اقدام نماید. برای این منظور بهترین پیشنهاد این می‌تواند باشد که سازمان ملل سعی کند در منازعات رخ داده کشور و یا سازمان میانجی را از همان منطقه یا قاره‌ای که منازعه رخ داده انتخاب نماید به طوری که مورد مقبولیت هر دو طرف درگیر باشد.

فهرست منابع

۱. اسداله‌بی، مسعود (۱۳۹۱)، فاز سوم بحران، ماهنامه سیاسی تحلیلی همشهری دیپلماتیک، شماره ۶.
۲. انوری، حسن (۱۳۸۲)، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ اول، جلد پنجم، تهران: انتشارات سخن.
۳. جبریل، احمد، روزنامه القدس العربی، ۶ جولای ۲۰۱۲.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، جلد سوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۵. دولت‌شاه، حجت (۱۳۸۷)، منشور سازمان ملل متحد: همراه با: اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری عهدنامه ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات، تهران: نشر مجد.
۶. ذاکریان، مهدی، امریکا: از سازمان ملل متحد تا یک جنبه‌گرایی برتری‌جویانه، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای (۳۱ خرداد ۱۳۸۲)
۷. روزنامه شرق (۱۳۹۵). قمار عربستان در یمن، ۲۱ بهمن.
۸. سازمان ملل در حمایت از مردم سوریه 'شکست خورده است' بی‌بی‌سی فارسی، ۲۱ اسفند ۱۳۹۳.
۹. صفدری، محمد، ۱۳۷۲، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، دانشگاه تهران، ج ۳.
۱۰. قاسمیان، روح ... (۱۳۹۲). کنکاشی در تحولات سوریه: ریشه‌ها، بازیگران و پیامدها، تهران، مؤسسه مطالعات غرب آسیا و آفریقا، دانشگاه تمدن ساز.
۱۱. محب علی، قاسم (۱۳۹۰). ریشه‌های بحران، مهرنامه، سال دوم، شماره ۱۸، دی ماه.
۱۲. نیکو، حمید (۱۳۹۱). بیداری اسلامی و چشم انداز اسلامگرایی در یمن، پانزده خرداد، دوره سوم، سال دهم، شماره ۳۳، صص ۱۷-۳۴
۱۳. واعظی، محمود (۱۳۸۵). روش‌های کاربرد میانجی‌گری در مناقشات بین‌المللی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISI)، سال سوم، شماره ۱.
۱۴. هاشمی نسب، سید سعید (۱۳۸۸). نشست بررسی تحولات اخیر کشور یمن، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۲، صص ۲۸۰-۳۰۰.
۱۵. یزید، صانع (۲۰۱۲). ائتلاف ملی سوریه، اندیشکده کارنگی، آگوست.
16. Adam and Jessica Kuper (1988) The Social Science Encyclopedia, London: Routledge and Kegan, p. 36.
17. AFP (2011) "Syria funeral hit with teargas, protesters wounded: report", 19 March, Archived from the original on 2013-10-13. Retrieved 19 March 2011.
18. BBC News (2011) Yemen President Ali Abdullah Saleh returns to Sanaa, September 23.
19. Bercovitch Jacob and Rubin Jeffrey Z. Mediation in International Relations, New York: St. Martin's Press 1994.

20. CNN World (2011) Yemen president authorizes deputy to negotiate power transfer, September 12.
21. Danin, R.M. (2012) Syria by the Numbers III, Council on Foreign Relations, October 10.
22. Frej, W. (2016) Syria's Assad Says Aleppo 'Liberation' Is History In The Making, Huffingtonpost, 15 December.
23. Los Angeles Times (2011) Protests rage in Yemen, Bahrain; Iran hard-liners want foes executed, February 15.
24. Nadja, A. (2009), International and comparative mediation legal perspectives, The Netherlands, Kluwer law international BV.
25. Reports and Papers (2012) Syria: Prospects for Intervention, Chatham House, August.
26. Simon, A. (2012) Armin Syria's Rebels: The Strategic and Humanitarian Imperative, Atlantic Council, December 11.
27. Tejel, J. (2012) Syria, s Kurds: Troubled Past, Uncertain Future, Carnegie Middle East Center, October 16.